

اخبار فولاد

تاوان فقدان استراتژی صنعتی مناسب را چه کسی می دهد؟

وقتی بزرگترین فولادساز خاورمیانه در کف قیمتی بازار، صدها هزار تن محصول عرضه می کند اما خریدار پایین دست توان جذب آن را ندارد، رنگ خطر یک چالش ساختاری به صدا در آمده است، رسانه ها و برخی صاحبان صنایع ممکن است به اشتباه انگشت اتهام را به سوی انحصار در بالادست شانده روند، اما مازاد عرضه بیش از ۳۸۰ هزار تنسی ورق فولادی در بورس کالا، روایت دیگری را فاش می کند. این گزارش به واکاوی یک بن بست سیاستی می پردازد؛ جایی که صدور مجوزهای نامتوازن، جایگزین توسعه مدون شده و نهاد تنظیم گر، به جای هدایت سرمایه به سمت تولیدارزش آفرین، در تله اقتصاد سهمیه ای گرفتار مانده است.

حباب تقاضا و تله ظرفیت های اسمی

شکاف عمیق میان ظرفیت های روی کاغذ و واقعیت بازار، نتیجه خطای ساختاری در صدور بی رویه مجوزهای صنعتی است. طی دهه ها، بدون توجه به محدودیت مواد اولیه و کشش واقعی مصرف، ظرفیت های اسمی مازاد خلق شد. این رویه، تمرکز بر نگاه هاراز ناواری و خلق ارزش، به سمت رقابت کاذب برای کسب سهمیه مواد اولیه سوق داد. اکنون که عرضه حداکثر تولید کنندگان در بورس با مازاد چندصد هزار تنی، ونمود خریدار مواجه شده، ناکارآمدی این تقاضای ساختگی عیان است.

تخصیص منابع به جای هدایت ارزش

در یک اقتصاد پوپولایزاسیون، سیاست گذاری صرفا براسهمیه بندی نیست و در واقع باید برای تنظیم گری کل زنجیره استفاده شود. مکانیزم فعلی تخصیص، به جای آنکه پاداشی برای خلق ارزش افزوده، ارتقای بهره وری انرژی یا توان صادراتی باشد؛ بر اساس «ظرفیت اسمی» مندرج در پروانه های بهره داری توزیع می شود. این رویکرد، تنظیم گری را وارونه کرده است. مازاد عرضه ۳۸۰ هزار تنی در بورس کالا قدرتمندترین سیگنال بازار به سیاست گذار است. مکانیزم بازار در حال کار کردن است، اما تقاضای موزی برای این حجم از ظرفیت کاذب وجود ندارد. توجه به سیگنال های قیمتی بازار به نهاد تنظیم گر کمک می کند تا مسیر ارتقای رقابت پذیری در زنجیره رهاموارتر سازد و با هدایت هوشمندانه منابع، سرمایه های موجود را از بخش های مازک، به سمت توسعه خطوط ارزش افزوده بالاتر و تکنولوژی های روزآمدسوق دهد.



قطب نمای جهانی

واکاوی الگوی توسعه در اقتصادهای پیشرفته نشان می دهد که نهادهای تنظیم گر چگونه با عبور از تله «اقتصاد سهمیه ای»، ابزارهای هوشمند بازار و استراتژی های ادغام را جایگزین توزیع بی ضابطه مجوزهای کاغذی کرده اند. رویکردی که می توان آن را در سه قطب اصلی صنعت فولاد جهان ردیابی کرد:

۱. اتحادیه اروپا: تنظیم گری از طریق مکانیزم های بازار و گذار سبز
اتحادیه اروپا به جای مداخله مستقیم در ظرفیت سازی یا سهمیه بندی مواد اولیه، از ابزارهای هوشمند اقتصادی برای هدایت زنجیره فولاد استفاده می کند.
- **سیگنال دهی قیمتی به جای دستور:** سیاست گذار از طریق سیستم تجارت گازهای گلخانه ای، عملا واحدهای ناکارآمد و بتکنولوژی قدیمی را از توجیه اقتصادی می اندازد. این سیگنال قیمتی، جریان سرمایه را به صورت طبیعی به سمت نوسازی صنعتی (مانند گذار به تکنولوژی های DRI-EAF) هدایت می کند.

۲. مکانیزم تنظیم مرزیرین: اروپا باین ابزار نه تنها بازار داخلی خود را تنظیم می کند، بلکه استانداردهای خلق ارزش و بهره وری را به کل زنجیره تأمین و حتی صادر کنندگان جهانی دیکته می کند. در این ساختار، بقای صنایع پایین دست در گرو ارتقای تکنولوژی است، نه دریافت مواد اولیه ارزان.

۳. زاین ادغام و تملک برای خلق صرفه های مقیاس
وزارت اقتصاد، تجارت و صنعت ژاپن یکی از موفق ترین الگوهای سیاست گذاری صنعتی متمرکز بر مقیاس ریاپیده کرده است.

۴. جلوگیری از تکثر مجوزها: ژاپن به جای صدور صدها مجوز برای کارگاه های کوچک پایین دستی، سیاست «تجمع» را در پیش گرفت. تشویق به ادغام شرکت ها و خلق غول هایی مانند نیپپون استیل، با هدف ایجاد ظرفیت های واقعی و رقابت پذیر در سطح جهانی انجام شد.

- **شفیقت به سمت ارزش افزوده بالا:** نهاد تنظیم گر، صنایع پایین دست را هدایت کرد تا از تولید محصولات پایه و اشباع شده فاصله گرفته و ظرفیت خود را بر تولید فولادهای پیشرفته (مانند ورق های مستحکم برای صنعت خودرو) متمرکزکنند.

۳. کره جنوبی: یکپارچگی ساختاری و هارمونی زنجیره تأمین
در کره جنوبی، سیاست صنعتی بر مبنای ایجاد توازن مطلق میان خلق ظرفیت در بالادست و نیاز واقعی در پایین دست بنا شد. است.
- **مدل توسعه یکپارچه:** شرکت های مانند پوسکودریک اکوسیستمی کاملاً یکپارچه و بهم پیوسته توسعه یافتند. در این مدل، ظرفیت سازی در پایین دست دقیقاً بر اساس توان عملیاتی بالادست و نیاز بازارهای هدف تعیین می شود. در نتیجه هیچ گاه پدیده ای به نام «تورم ظرفیت» یا ظرفیت های رهاشده و فاقد توجیه اقتصادی شکل نمی گیرد.

پایان دوران توسعه های بدون استراتژی

تولید کنندة بالادست با عرضه انبوه و قیمت گذاری در کف بازار، حجت را بر زنجیره تأمین تمام کرده است؛ اکنون توپ در زمین نهادهای تصمیم گیر است. پارادوکس ناتوانی پایین دست در جذب مواد اولیه و همزمان گلمعدنی از کمبود آن، محصول مستقیم غیبت یک استراتژی توسعه صنعتی است. عبور از این بحران، نیازمند جراحی در بخش سیاست های صدور مجوز و تخصیص منابع است. تا زمانی که سیاست گذار صنعتی به جای هدایتگری زنجیره ارزش، صرفاً نقش توزیع کننده سهمیه را بازی کند و مجوزهای بدون پشتوانه را به اعتبار ببخشد، اقتصاد صنعتی ایران در همین بن بست دست و پا خواهد زد.

مدیرعامل شرکت فولاد هرمزگان، آینده نگری را مبنای تصمیم گیری و توسعه پایدار شرکت دانست و گفت: ماندگاری در بازارهای جهانی مستلزم آن است که از مدیریت مسائل روزمره عبور کنیم و تصمیم های امروز خود را با فاق پنج ساله و بر پایه تأمین پایدار انرژی و مواد اولیه، توسعه بازارهای صادراتی، فولاد سبز، اقتصاد چرخشی، فناوری های نوین و توانمندسازی سرمایه های انسانی اتخاذ کنیم.

علیرضا رحیم در نشست هم اندیشی معاونان، مدیران و جمعی از رؤسای شرکت با موضوع «توسعه، تحول و آینده فولاد هرمزگان» اظهار کرد: تحولات شتابان صنعت فولاد، الگوهای گذشته را با چالش مواجه کرده است و شرکت هایی در بازار آینده باقی خواهند ماند که بتوانند تغییرات را زودتر تشخیص دهند، برای آن ها راه حل طراحی کنند و تصمیم های آینده ساز را از امروز به اجرا بگذارند.

وی با اشاره به تفاوت مقیاس صنعت فولاد ایران با رقبای بزرگ جهانی افزود: در شرایطی که مجموع تولید سالانه فولاد ایران حدود ۳۰ میلیون تن است، صادرات فولاد چین از ۱۲۰ میلیون تن فراتر رفته است. این تفاوت نشان می دهد که رقابت آینده صرفا با افزایش کمی تولید امکان پذیر نیست و صنعت فولاد کشور به نگاهی نو در حوزه هرز رقابتی، بهره وری، فناوری، تأمین پایدار و توسعه بازار نیاز دارد.

آینده نگری باید به مبنای تصمیم گیری تبدیل شود

مدیرعامل شرکت فولاد هرمزگان با بیان اینکه آینده شرکت نتیجه تصمیم های امروز رهبران سازمان است، تصریح کرد: بخش مهمی از نظام مدیریتی سازمان ها بر ارزیابی عملکرد گذشته و حل مسائل جاری متمرکز است، در حالی که برای ساختن آینده، باید علاوه بر شناخت دقیق وضع موجود، روندهای پیش رو، تهدیدهای احتمالی و فرصت های جدید را نیز وارد فرایند تصمیم گیری کنیم.

رحیم ادامه داد: بهبود شاخص های تولید، درآمد و سودآوری فولاد هرمزگان ارزشمند است، اما این دستاورد ها پایان مسیر نیست. آنچه جایگاه آینده شرکت را تعیین می کند، توانایی ما در تبدیل عملکرد مطلوب امروز به مزیت رقابتی پایدار برای سال های آینده است.

وی افزود: هدف گذاری ما باید به گونه ای باشد که فولاد هرمزگان در افق پنج ساله، از نظر تولید پایدار، سودآوری، فناوری، سرمایه انسانی، تأمین انرژی و مواد اولیه، توسعه بازار و الزامات زیست محیطی در بهترین موقعیت ممکن قرار گیرد.

رحیم بر ضرورت تقویت گفت و گوهای کارشناسی در سطوح مدیریتی تأکید کرد و گفت: برگزاری نشست های هم اندیشی خارج از فضای معمول اداری، فرصتی برای فاصله گرفتن از مسائل روزمره، شکل گیری طوفان فکری و طرح ایده های تازه است. استمرار این نشست ها می تواند نگاه آینده محور و تصمیم گیری مبتنی بر خرد جمعی را در سازمان تقویت کند.

تنوع بخشی؛ راهبرد کاهش ریسک در تأمین و صادرات

مدیرعامل شرکت فولاد هرمزگان، تنوع بخشی

به منابع تأمین و بازارهای فروش را از الزامات تابآوری شرکت دانست و بیان کرد: ممکن است سازمان صنعت فولاد در مقطع کنونی با بحران فراگیر مواد اولیه مواجه نباشد، اما ادامه روند موجود نشان می دهد که انکابه منابع محدود، پاسخ گوی نیازهای آینده نخواهد بود.

وی افزود: از امروز باید گزینہ های مختلف تأمین مواد اولیه، از جمله ظرفیت های داخلی و امکان تأمین از منابع خارجی، به صورت کارشناسی بررسی شود. در بخش صادرات نیز نباید به تعداد محدودی بازار با مشتری متکی باشیم؛ بلکه تنوع جغرافیایی وصول درآمدهای صادراتی وابسته است. از این رو باید تجربه و الگوی شرکت های موفق جهانی را بررسی و متناسب با شرایط فولاد هرمزگان بومی سازی کنیم.

رحیم خاطر نشان کرد: صادرات محور شدن صرفا به معنای افزایش حجم صادرات نیست؛ بلکه به تأمین پایدار، کیفیت رقابت پذیر، لجستیک مطمئن، شناخت بازار، مدیریت ریسک و توان وصول درآمدهای صادراتی وابسته است. از این رو باید تجربه و الگوی شرکت های موفق جهانی را بررسی و متناسب با شرایط فولاد هرمزگان بومی سازی کنیم.

پایان دوران انرژی ارزان

مدیرعامل شرکت فولاد هرمزگان، تأمین پایدار انرژی را یکی از تعیین کننده ترین عوامل آینده صنعت فولاد عنوان کرد و گفت: باید بپذیریم که دوران انرژی فراوان و ارزان به پایان رسیده است. انرژی هر سال محدودتر و گران تر می شود و مداوم تولید، بدون داشتن راهبرد جامع انرژی، با چالش های بیشتری روبه رو خواهد شد.

وی ادامه داد: احداث نیروگاه به تنهایی مسئله

انرژی را حل نمی کند؛ برانبرو گاه نیز به تأمین پایدار سوخت نیاز دارد. اگر همه شرکت های فولادی صرفا به سمت احداث نیروگاه حرکت کنند، در مرحله بعد با محدودیت تأمین گاز مواجه خواهند شد.

بنابراین باید زنجیره کامل انرژی را دید و درباره گزینہ هایی مانند مشارکت در توسعه میدان های گاز، بازیافت انرژی، انرژی های تجدید پذیر و افزایش بهره وری تصمیم گیری کرد.

رحیم با اشاره به زمان بردن سرمایه گذاری در حوزه انرژی اظهار کرد: دستیابی به تولید از یک میدان گازی ممکن است چهار تا پنج سال زمان ببرد. اگر چنین گزینہ هایی برای آینده ضروری است، بررسی و تصمیم گیری درباره آن ها نیز باید از امروز آغاز شود.

وی افزود: در داخل کارخانه منابعی مانند حرارت، بخار و انرژی های اتلافی وجود دارد که می توان با استفاده از فناوری های مناسب، بخشی از آن ها را بازیابی و به برق یا انرژی قابل استفاده تبدیل کرد. نگاه آینده محور یعنی پیش از تبدیل شدن محدودیت انرژی به بحران تولید، برای آن راه حل عملی طراحی کنیم.

اقتصاد چرخشی؛

از مدیریت ضایعات تا خلق ارزش

مدیرعامل شرکت فولاد هرمزگان با اشاره به اقدامات این شرکت در حوزه اقتصاد چرخشی گفت: رویکرد ما این است که ضایعات تاحد امکان از فرایند اقتصادی شرکت خارج نشوند و با استفاده از روش های علمی، دوباره به چرخه تولید یا زنجیره های ارزش دیگر بازگردند.

رحیم افزود: در این مسیر، اقداماتی برای بازگرداندن برخی ضایعات از جمله روغن، ضایعات

مدیرعامل شرکت فولاد هرمزگان کرد:

مزیت رقابتی فردای فولاد هرمزگان را باید امروز ساخت



نسوز و پودر قالب به چرخه انجام شده است. در زمینه بازیابی و استفاده مجدد از سرباره نیز رازی هایی با مسئولان استانی صورت گرفته تا ظرفیت استفاده از آن در راه سازی، تولید مصالح ساختمانی و حتی بخش کشاورزی مورد بررسی قرار گیرد.

وی تأکید کرد: اقتصاد چرخشی تنها یک الزام زیست محیطی نیست؛ بلکه می تواند به کاهش هزینه ها، افزایش بهره وری منابع، خلق ارزش اقتصادی و تقویت مسئولیت پذیری زیست محیطی شرکت منجر شود.

فولاد سبز، شرط حضور در بازارهای آینده

رحیم، حرکت به سمت فولاد سبز را یکی از الزامات حفظ بازارهای صادراتی دانست و اظهار کرد: جهان با سرعت به سمت کاهش انتشار کربن حرکت می کند و در آینده، دسترسی به برخی بازارها برای تولید کنندگانی که نتوانند الزامات زیست محیطی را رعایت کنند، دشوار یا غیراقتصادی خواهد شد.

وی ادامه داد: هزینه های کربنی و محدودیت های زیست محیطی می تواند مزیت صادراتی شرکت ها را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین فولاد سبز برای ماصرفا یک عنوان تبلیغاتی نیست، بلکه موضوعی اقتصادی و راهبردی است که با آینده فروش، سرمایه گذاری و رقابت پذیری شرکت ارتباط مستقیم دارد.

مدیرعامل شرکت فولاد هرمزگان با اشاره به پروژه احیای مستقیم در حال اجرای شرکت افزود: باید با انجام مطالعات دقیق و تدوین یک طرح جامع، امکان استفاده تدریجی از هیدروژن و سایر راهکارهای کاهش انتشار کربن بررسی شود. حرکت

در این مسیر باید واقع بینانه، مرحله بندی شده و متناسب با ظرفیت های فنی و اقتصادی شرکت باشد.

هر طرح توسعه ای باید آزمون آینده را پشت سر بگذارد

رحیم با تأکید بر ضرورت بازنگری در شیوه ارزیابی طرح های توسعه ای گفت: ممکن است یک پروژه در شرایط امروز سودآور و راهبردی به نظر برسد، اما پرسش اصلی این است که آیا پنج سال دیگر نیز همچنان دارای مزیت اقتصادی و رقابتی خواهد بود؟

وی افزود: طرح های توسعه ای باید علاوه بر شاخص های مالی امروز، از منظر دسترسی آینده به انرژی و مواد اولیه، تحولات فناوری، محدودیت های کربنی، بازار محصول، منابع آب، لجستیک و تابآوری زنجیره تأمین ارزیابی شوند. توسعه ای ارزشمند است که بتواند در شرایط متغیر آینده نیز برای شرکت مزیت پایدار ایجاد کند.

فناوری بدون سرمایه انسانی تحول ایجاد نمی کند

مدیرعامل شرکت فولاد هرمزگان، هوش مصنوعی و اتوماسیون صنعتی را از ابزارهای مهم تحول سازمان دانست و تصریح کرد: سرمایه گذاری در فناوری ضروری است، اما فناوری به تنهایی سازمان را متحول نمی کند. این سرمایه های انسانی هستند که باید اطلاعات را تحلیل کنند، ایده بسازند، تصمیم بگیرند و فناوری را در خدمت بهبود عملکرد سازمان قرار دهند.

رحیم افزود: برای حرکت از مدیریت سنتی به مدیریت دانش بنیان، باید جریان اطلاعات در سازمان شفافتر، تصمیم گیری ها داده محورتر و دانش و توانمندی کارکنان به طور مستمر ارتقا یابد. آینده فولاد هرمزگان زمانی ساخته می شود که نگاه آینده محور از سطح مدیریت ارشد به همه بخش های سازمان تسری پیدا کند.

برای دوران پس از بحران از امروز آماده شویم

وی در پایان با اشاره به ضرورت حفظ آمادگی سازمان در شرایط متغیر کشور گفت: شرایط بحرانی ماندگار نیست، اما شرکت هایی پس از عبور از بحران موفق تر خواهند بود که از پیش برای آن دوران برنامه داشته باشند. در کنار مدیریت مقتدرانه مسائل امروز، باید سناریوهای آینده را طراحی کنیم و فولاد هرمزگان را برای دوره بازگشت ثبات، توسعه سرمایه گذاری و رقابت گسترده تر در بازارهای داخلی و جهانی آماده سازیم.

گفتنی است در این نشست، معاونان و مدیران شرکت فولاد هرمزگان دیدگاه های خود را درباره چالش های کنونی و آینده سازمان مطرح کردند و راهکارهای پیشنهادی در حوزه های توسعه، تولید، انرژی، مواد اولیه، سرمایه انسانی، فناوری، فروش و صادرات مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

در این اقدام تأثیر بسیار خوبی بر توان نقدینگی صنعت قطعه سازی داشته است. در صنعت قطعه سازی از قدیم این رویه وجود داشته که قطعه ساز کالا را تحویل می دهد و حداقل چهار ماه بعد پول خود را دریافت می کند. این مسئله فشار سنگینی بر نقدینگی واحدهای قطعه سازی ایجاد می کند.

وی با قردانی از فولاد مبارک گفت: اگر این لطف و همراهی فولاد مبارک در زمینه فروش اعتباری نیز ادامه پیدا کند، شرایط برای قطعه سازان بسیار بهتر و مناسب تر خواهد شد.

ال سی می تواند همزمان به فولاد و قطعه ساز کمک کند

وی با قردانی از بازگشت فولاد مبارک به مدار تولید و مداوم عرضه محصولات این شرکت در بازار، اظهار کرد: در خواست ما این است که با توجه به ارزش گیری تولید عرضه فولاد مبارک، شرایط فروش اعتباری نیز به روال گذشته بازگردد و خرید بدون پیش پرداخت و از طریق ال سی انجام شود. تقاضای نقدینگی بر صنایع پایین دستی کاهش یابد. ال سی هایی که قطعه سازان برای این شرکت باز می کنند، قابلیت نقدشوندگی در بانک ها را دارند و از این طریق نیز می توانند برای فولاد مبارک مورد استفاده قرار گیرند.

رئیس انجمن صنایع همگن نیرو محرکه و قطعه سازان خودرو در پایان خاطر نشان کرد: امیدواریم این روند حمایتی ادامه پیدا کند و با مساعدت مدیرعامل فولاد مبارک در زمینه فروش اعتباری نیز، قطعه سازان بتوانند با فشار نقدینگی کمتری به فعالیت خود ادامه دهند.

سال حداقل ۷۰ درصد، معادل حدود ۷ میلیون تن، از سنگ آهن مورد نیاز کارخانه کنسانتره فولاد سنگان را از پیشکارهای مختلف معدن سنگ آهن سنگان بارگیری و در سکوی کارشتر تخلیه کند و این مسئله منوط به انجام عملیات استخراج سنگ و در حجم کافی است.

معاون امور معدنی فولاد سنگان درباره نیاز خوراک شرکت برای تولید باطله های کامل نیز گفت: فولاد سنگان برای تولید ۵ میلیون تن کنسانتره، حداقل به ۱۰ میلیون تن سنگ آهن نیاز دارد. با توجه به شرایط فعلی، تأمین بیش از ۵.۵ میلیون تن از معادن مجتمع و حدود ۵۰۰ هزار تن از معادن پالاسری دور از انتظار است و در نتیجه، کسری خوراک حداقل ۴ میلیون تن خواهد بود.

عباس انجمن صنایع همگن صنایع فولاد سنگان، مهم ترین ریسک استراتژیک را صرفا وابستگی به یک منبع معدنی ندانست و تصریح کرد: تعیین قیمت دستوری یا شبه دستوری سنگ آهن، می تواند کل سرمایه گذاری صنعت فولاد در ابتدای زنجیره تولید را چالش مواجه کند. وی در تشریح برنامه های فولاد سنگان برای کاهش این ریسک گفت: تسهیل خرید سنگ آهن از معادن پالاسری منطقه، مشارکت در استخراج معادن مجتمع، خرید معادن سنگ آهن، مشارکت در اکتشاف و بهره برداری از محدوده های معدنی بخش خصوصی و سایر سازمان های فعال در بخش معدن و همچنین خرید سنگ آهن از منابع مختلف از جمله بورس، معادن منطقه و استان، در دستور کار شرکت قرار دارد.

رئیس انجمن صنایع همگن نیرو محرکه و قطعه سازان خودرو تشریح کرد؛

فروش اعتباری؛ راهکار فولاد مبارک برای رفع بحران نقدینگی قطعه سازان



قیمت قوب خلیج فارس باشد. با توجه به افزایش نرخ دلار، طبیعی است که این موضوع بر قیمت ورق نیز اثر بگذارد.

فولاد مبارک که اجازه نداد بازار را در رقابت قیمتی شود

وی تصریح کرد: با وجود افزایش هزینه ها و شرایط بازار، عرضه فولاد مبارک به بسیار کمک کننده بوده است و مابالت این موضوع از مدیران این شرکت تشکر می کنیم.

نجفی منش با اشاره به فروش اعتباری و غیر نقدی فولاد مبارک اظهار

زیادی کردند و حتی بخشی از واحد ذوب نیز دوباره را اندازی شد. چرا که بازگشت این مجموعه به تولید و بازار برای صنایع پایین دستی اهمیت بسیار زیادی دارد. رئیس انجمن صنایع همگن نیرو محرکه و قطعه سازان خودرو و کشور ادامه داد: واقعاً کمتری انتظار داشت فولاد مبارک پس از آن حمله جانمردانه نتواند خودش را بازیابی کند و باین سرعت به بازار برگردد؛ این اتفاق واقعاً یک معجزه بود.

عرضه ۸۵ه و ۸۷ هزار تونانی مانع قیمت سازی شد

نجفی منش در باره عملکرد فولاد مبارک در بازار ورق گفت: عرضه ورق فولاد مبارک با قیمت های ۸۵ و ۸۷ هزار تومان توانسته بازار ورق را کنترل کند و از شکل گیری قیمت های غیر واقعی جلوگیری کند. وی بیان کرد: قیمت ورق فولادی در سال گذشته حدود ۳۰ هزار تومان بود، اما اکنون به محدوده ۸۵ تا ۸۷ هزار تومان رسیده و تقریباً سه برابر شده است؛ بنابراین این افزایش قیمت طبیعتاً تأثیر زیادی بر صنایع مصرف کننده ورق، از جمله صنعت قطعه سازی، دارد.

رئیس انجمن صنایع همگن نیرو محرکه و قطعه سازان خودرو افزود: بخش مهمی از این افزایش قیمت به ساز و کار قیمت گذاری ورق مربوط است، چرا که طبق قانون مجلس، قیمت ورق فولاد باید ۹۵ درصد

چالش تأمین سنگ آهن و برنامه های فولاد سنگان برای کاهش ریسک خوراک

برگزاری جلسات مهم و متعدد در سطوح استانی و ملی، در حال حاضر بخشی از این موانع بر طرف شده است و امیدواریم با پیگیری های انجام شده این مسئله در آینده نزدیک حل شود.

عباس نیادار به میزان تحقق برنامه استخراج سال ۱۴۰۵ نیز گفت:

تا پایان مردادماه، میزان استخراج و تحویل سنگ آهن از معادن مجتمع



حسین عباس نیامعاون امور معدنی شرکت فولاد سنگان، با تشریح آخرین وضعیت تأمین سنگ آهن و عملیات استخراج در مجتمع سنگ آهن سنگان، مهم ترین چالش موجود را ضعف در عملیات باطله برداری و استخراج و محدودیت ظرفیت ناوگان معدنی عنوان کرد و از برنامه های شرکت برای کاهش ریسک تأمین خوراک خبر داد.

عباس نیایا اشاره به ظرفیت ذخایر منطقه سنگان اظهار کرد: ذخیره اقتصادی قابل استخراج معادن اصلی مجتمع سنگان حدود ۸۵۰ میلیون تن است و گزارش های جدید، میزان ذخیره این معدن را تا حدود ۱.۲ میلیارد تن برآورد کرده اند.

وی افزود: در سال ۱۴۰۴ مشکلات بروکراسی اداری و ظرفیت پایین ناوگان استخراجی از مهم ترین عوامل کاهش میزان استخراج در معادن مجتمع سنگ آهن سنگان بود. تعلل در عملیات و نوعی بلاتکنیکی از ابتدای تادی ماه، موجب کاهش ظرفیت استخراجی شد و در میانه سال، سرمایه گذاران را با مشکل کمبود سنگ آهن مواجه کرد.

به گفته عباس نی، حاصل این اقدام تأمین بیش از ۷.۴ میلیون تن از سنگ آهن مورد نیاز کارخانه کنسانتره فولاد سنگان بود. وی همچنین با اشاره به مشکلات ایجادشده در اسفند ۱۴۰۴ در زمینه عملیات انحصار و استخراج گفت: با توجه به شرایط خاص کشور، برنامهریزی و پیگیری های لازم توسط فولاد سنگان برای رفع موانع انجام شد و پس از